

تحلیل بافت سیاسی، اجتماعی و تخصصی نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ ادوار اول تا پنجم

علی زارعی*
یحیی فوزی**

چکیده

نخبگان سیاسی در هر نظام سیاسی یکی از عوامل تأثیرگذار بر تحولات می‌باشند و مجلس شورای اسلامی در بردارنده نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. لذا پژوهش حاضر تلاش دارد تا با رویکردی تحلیلی - مقایسه‌ای و به منظور دستیابی به درک درستی از دلایل و چرایی روندهای سیاسی در ایران به تحلیل و بررسی بافت سیاسی و اجتماعی نمایندگان مردم طی پنج دوره نخست مجلس شورای اسلامی بپردازد و به این پرسش‌های بنیادین پاسخ دهد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی ادوار اول تا پنجم چه آرایش و ترکیب سیاسی و اجتماعی داشته‌اند؟ و اساساً میان ادوار فوق‌الذکر به لحاظ بافت سیاسی و اجتماعی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد؟ برای پاسخ به این سوالات ضمن توصیفی از بافت سیاسی نمایندگان و تعلقات حزبی آنان، نمایندگان پنج دوره مجلس شورای اسلامی از نظر توزیع سنی، جنسیت، روحانی و غیر روحانی، سابقه‌ی نمایندگی و تحصیلات مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند علاوه بر روشن نمودن روند تحولات سیاسی و اجتماعی در مقطع تاریخی مورد نظر، به تحلیل دلایل و چرایی روندهای سیاسی در ایران کمک نماید.

کلیدواژه‌ها: مجلس شورای اسلامی، نمایندگان، دوره‌های اول تا پنجم، ترکیب سیاسی، بافت اجتماعی.

* دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی. (نویسنده مسئول)

Ali.zareei@chmail.ir

** استاد علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. Yahyafozi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۹

۱. مقدمه

تشکیل مجلس شورای اسلامی یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود که به موجب قانون اساسی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین نهادهای سیاسی و یکی از زیباترین جلوه‌های مردم سالاری دینی است. بی‌شک چنین نهادی مرهون اندیشه‌های سیاسی و والای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (س) است که شاکله‌ی نظام سیاسی ایران را بر مبنای نظریه ولایت فقیه و متکی بر آرای مردم طرح‌ریزی نمود.

علاوه بر نتایج نظری و اندیشه‌ای پیدایش مجلس شورای اسلامی بخصوص از منظر قانون‌گذاری و میزان اختیارات آن، مجلس صحنه رقابت نیروهای سیاسی و اجتماعی برای ورود به آن از طریق انتخابات و تأثیرگذاری بر امور کشور از رهگذر وضع قوانین و نظارت بر روند اداره کشور است. این رقابت‌های سیاسی علاوه بر تحرک جریان‌ها سیاسی، ادامه حضور مردم در صحنه سیاسی و استمرار بُعد جمهوریت نظام را تضمین می‌کند. از همین رو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اهمیت خاصی به مجلس و لزوم استمرار آن داده و انتخابات آن از اول انقلاب تا به امروز در بحرانی‌ترین شرایط کشور و در موعد مقرر برگزار گردیده است.

اولین دوره مجلس شورای اسلامی در خرداد ماه سال ۱۳۵۹ و در شرایط بحرانی کشور افتتاح گردید تا نمایندگان مورد اعتماد مردم با تصویب قوانین اسلامی و انقلابی در روند ثبیت و رشد انقلاب اسلامی گامی اساسی و مؤثر بردارند. پس از آن مجلس، ده دوره قانونگذاری را پشت سر نهاد و طی این مدت، فراز و نشیب‌های بسیاری را در ابعاد مختلف از سرگذراند.

بدیهی است شرح کامل و بررسی تمامی اقدامات و ویژگی‌های گوناگون مجلس شورای اسلامی از گنجایش این مقاله خارج است. از همین رو در نوشتار پیش رو سعی داریم تا با رویکرد تحلیلی و مقایسه‌ای و با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی به تحلیل و بررسی بافت سیاسی و اجتماعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی پردازیم و به این پرسش‌های بنیادین پاسخ دهیم که نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی ادوار اول تا پنجم چه آرایش و ترکیب سیاسی و اجتماعی داشته‌اند؟ و اساساً میان ادوار فوق‌الذکر به لحاظ بافت سیاسی و اجتماعی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد؟ در همین راستا نخست نگاهی خواهیم داشت به رقابت‌های انتخاباتی احزاب و گروه‌های سیاسی و آرایش و ترکیب سیاسی منتخبان مردم؛ و در

گام بعدی وضعیت نمایندگان به لحاظ سنی، جنسیت، روحانی و غیر روحانی، سابقه‌ی نمایندگی، سطح تحصیلات و رشته تحصیلی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. همچنین روند تحول در بافت اجتماعی نمایندگان در خلال دوره‌های مختلف و ویژگی‌های اجتماعی ممتازی که سبب انتخاب آنها شده است، از دیگر هدف‌های مقاله‌ی حاضر به شمار می‌رود.

در خصوص محدوده زمانی نوشتار پیش‌رو بایستی خاطر نشان کرد که با توجه به هدف این پژوهش در بررسی و کنکاش دقیق و موشکافانه‌ی موضوع و گنجایش محدود مقاله حاضر، در اینجا صرفاً پنج دوره نخست مجلس شورای اسلامی تحلیل و بررسی می‌شود و بررسی ادوار ششم تا دهم نیز در مقاله‌ای مجزا صورت خواهد گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند علاوه بر آشنایی با بخش مهمی از نخبگان سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، از یک سو تحولات سیاسی و اجتماعی ادوار اول تا پنجم شورای اسلامی را مورد کندوکاو قرار دهد و از سوی دیگر ارتباط طبقات جامعه ایران با هیأت قانون‌گذاری را بررسی نماید. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند با ارائه جداول و نمودارها و نمایش روند تغییرات در پنج دوره نخست مجلس شورای اسلامی در تحلیل بافت سیاسی و اجتماعی دوره‌های آینده مجلس رهگشا باشد.

۲. مبانی نظری

برای تحلیل عملکردها در عرصه سیاسی، رویکردهای مختلفی توسط اندیشمندان علوم سیاسی مطرح شده است؛ برخی با تأکید بر اولویت ساختارها، مدعی هستند که تحول نظام‌های سیاسی و عملکرد آن تحت تأثیر ساختارهای سیاسی مستقر می‌باشد و برخی دیگر بر عوامل ارادی و انسانی تأکید دارند (فوزی، ۱۳۹۵: ۴۷).

بر اساس دیدگاه ساختارگرایان، نهادهای سیاسی اختیارات محدودی در ایجاد تحولات دارند. ساختارگرایی در معنای حداکثری آن، نگرشی است که جامعه را همچون مجموعه‌ای عینی و ساختارمند می‌بیند که مستقل از افراد و کنشگران است (مارش، ۱۳۸۴: ۳۱۲). اما نقدهای مختلفی بر این نظریات وجود دارد که دیوید مارش برخی از آنها را به شکل زیر خلاصه کرده است: «ساختارگرایی معمولاً فعالیت افراد را دست کم گرفته و گاهی کاملاً از آن غفلت کرده است. به عبارت دیگر، استقلال واقعی افراد را نپذیرفته و تأثیرگذاری و یا توانایی آنان در ایجاد دگرگونی را انکار کرده است. بعلاوه ساختارگرایی تصویری از جهان اجتماعی و سیاسی ترسیم می‌کند که در آن همه ما

صرفاً فریب خوردگان وارفته و بی‌دست و پای ساختارهایی که فراتر از فهم و درکمان هستند، می‌باشیم و بر آنها هیچ نفوذی و تأثیری نداریم. و بر اساس این تقدیرگرایی، تمام آنچه ما می‌توانیم انجام دهیم این است که بنشینیم و منتظر ظهور و بروز ذاتی تاریخ باشیم. سرانجام اینکه، اگر این ادعا درست باشد پس چگونه پژوهشگران ساختارگرا توانسته‌اند بیرون از آن ساختارهایی که به شکل اجتناب ناپذیری ما را محدود می‌سازند، قدم بگذارند؟» (مارش، ۱۳۸۴: ۳۱۲).

در مقابل، دیدگاه‌های اراده‌گرایانه بر نقش کارگزاران سیاسی در تحولات نظام‌های سیاسی تأکید دارند و معتقدند که عوامل ارادی که شامل اراده و خواست کارگزاران دولتی و مبتنی بر معانی ذهنی، نیات و گفتمان‌های سیاسی خاص آنها است، نقش مهمی در تحولات سیاسی ایفا می‌کنند. اراده‌گرایی رویکردی است که بر خلاف ساختارگرایان، اصالت را به کارگزاران و اراده انسانی می‌دهد و عامل تعیین‌کننده در تصمیمات سیاسی را انگیزه‌ها و اراده‌های بازیگران می‌داند. این رویکرد در واقع مبتنی بر فردگرایی روش‌شناختی می‌باشد و معتقد است در تبیین‌های سیاسی - اجتماعی باید محور تحلیل، انگیزه‌ها و نیات فردی باشد. بر این اساس در تحلیل، تأکیدشان بر نظریاتی همچون انتخاب عقلانی، فایده‌گرایی و... است (ویر، ۱۳۸۲: ۸۴). هرچند این دیدگاه نیز با نقدهای مهمی مواجه شده و در نگرش‌های جدید بر تعامل ساختارها و اراده‌ها تأکید می‌شود اما به هر حال اراده‌های انسانی که در قالب نخبگان سیاسی تجلی می‌کنند نقش محوری در تعامل بین ساختار و کارگذار و در نظریات ساختاریابی (Giddens, Anthony, 1976:157) ایفا کرده و لذا کلید فهم تعامل مذکور در تحولات عرصه سیاسی و با شناخت کارگزاران اتفاق می‌افتد؛ بطوری‌که برای فهم مناسبی از تحولات سیاسی و چرایی ضعف‌ها و قوت‌ها در هر نظام سیاسی باید به بررسی اراده‌های سیاسی و بافت نخبگان سیاسی پرداخت.

براین اساس در این پژوهش به منظور تحلیل مناسبی از دلایل و چرایی روندهای سیاسی در ایران، به تحلیل بافت سیاسی و اجتماعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی پرداخته‌ایم.

اصولاً نمایندگان مجلس بخش مهمی از نخبگان سیاسی کشور را تشکیل می‌دهند و مجلس بعنوان نهاد مردم‌سالاری یکی از عرصه‌های مهم قدرت در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. یکی از وظایف مجلس تصویب برنامه‌های توسعه کشور است. این نوع از برنامه‌ها راهکارهای سیاست‌های راهبردی نظام را در یک دوره

زمانی مشخص و معمولاً پنج ساله تعیین و نحوه تحقق سیاست‌های کلان و اهداف و راهبردهای نظام سیاسی را ترسیم می‌کنند. دولت‌ها نیز موظف‌اند در چارچوب این برنامه‌ها عمل کنند. همین امر موجب شده است تا مجلس از اهمیت بالایی در پیشبرد اهداف توسعه‌ای نظام سیاسی برخوردار باشد.

در واقع مجلس در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران محور بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها، قانونگذاری‌ها و سیاستگذاری‌ها است. مجلس مایه حضور و مشارکت واقعی مردم در اداره حکومت و مظهر اراده ملی و دموکراسی است. مجلس، مظهر اراده عام ملت است که در آن سرنوشت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... مردم رقم می‌خورد و برنامه‌های آنان پس از برخورد اندیشه‌ها، کنکاش، مذاکره، تبادل افکار و سرانجام با کسب اکثریت آرا، به صورت مجموعه‌ای مدون به اجرا گذاشته می‌شود (نظرپور، ۱۳۹۱: ۱۴۷-۱۴۸).

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه مقننه مبتنی بر نظام یک مجلسی اما دو رکنی است؛ یعنی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان - که مرکب از ۱۲ نفر از فقها و حقوقدانان است که برای ۶ سال با ترکیب خاصی به عضویت این شورا در می‌آیند. بی‌تردید بدون اشتراک مساعی این دو رکن، اعمال قوه مقننه ممکن نیست؛ در قانون اساسی آمده است: «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان، اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوق‌دان اعضای شورای نگهبان» (قانون اساسی، اصل ۹۳).

با توجه به اهمیت و جایگاه مجلس شورای اسلامی و وظایفی که برعهده آن نهاده شده، قانون اساسی جمهوری اسلامی، تعطیلی و توقف آن را به صلاح ندانسته است؛ چراکه باعث نقصان و اختلال در حاکمیت و اداره کشور می‌شود. از این رو طبق اصل ۶۳ قانون اساسی، «دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد». به بیانی دیگر، دوره نمایندگی، هم‌زمان با پایان دوره چهارساله مجلس به پایان می‌رسد. بنابراین، نمایندگانی که در انتخابات میان دوره‌ای انتخاب می‌شوند، پس از پایان چهار سال مجلس، دوره نمایندگی آنها نیز پایان می‌یابد. از آنجا که در قانون اساسی و قانون انتخابات هیچ محدودیتی برای انتخاب نمایندگان وجود ندارد، انتخاب آنان برای دوره‌های متعدد با بودن شرایط نمایندگی، بلامانع است (نظرپور، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۶۴ قانون اساسی ۲۷۰ نفر بود که پس از هر ده سال به نسبت هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده به نمایندگان مجلس افزوده می‌شد. اما در بازنگری سال ۱۳۶۸ این اصل بدین شکل اصلاح شد که شمار نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال ۱۳۶۸ پس از هر ده سال با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن، حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند به تعداد اضافه شود. بنابراین، در سال ۱۳۷۸ بیست نفر به تعداد نمایندگان افزوده شد و تعداد نمایندگان به ۲۹۰ نفر رسید و در سال ۱۳۸۸ نیز بایستی بیست نفر دیگر به آن اضافه می‌گردید اما این امر محقق نشد. در ادامه به منظور تحلیل مناسبی از دلایل و چرایی روندهای سیاسی در ایران به تحلیل بافت سیاسی و اجتماعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان بخش مهمی از نخبگان سیاسی ایران اسلامی خواهیم پرداخت.

۳. بافت سیاسی نمایندگان مجلس شورای اسلامی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای احزاب، تلاش برای کسب قدرت از طریق بدست آوردن کرسی‌های پارلمان و تأثیر بر روند قانون‌گذاری محسوب می‌شود (دوورژه، ۱۳۵۷: ۲۴). این کارکرد احزاب در دو برهه زمانی پیش از انتخابات و بعد از انتخابات، بیش از پیش تجلی می‌یابد.

نخستین وظیفه احزاب پیش از انتخابات این است که نامزدهای مناسبی که حزب را به کسب کرسی‌های بیشتر قادر می‌کند، برگزینند و بعد از انتخابات حزبی که اکثریت آرا را به دست می‌آورد، سعی در تأثیرگذاری بر روند تصویب قوانین و پی‌گیری منافع حزب خود در مجلس دارد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و به دنبال گسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، احزاب و گروه‌های بسیاری در عرصه کشور پا به عرصه فعالیت نهادند که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آنها را به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

- ۱- جناح مذهبی از جمله حزب جمهوری اسلامی که بعدها به دو جناح راست (اصولگرا) و چپ (اصلاح طلب) تقسیم شد؛
- ۲- احزاب ملی از جمله نهضت آزادی و جبهه ملی؛
- ۳- احزاب چپ همچون مجاهدین خلق، حزب توده و سازمان چریک‌های خلق؛

۴- احزاب مستقل (ر.ک: فوزی، ۱۳۸۴: ۳۶۵-۴۲۰؛ ر.ک: بشیریه، ۱۳۸۱؛ ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۲-۱۵۸).

در ادامه سعی داریم تا با بررسی ادوار اول تا پنجم مجلس شورای اسلامی ضمن پرداختن به انتخابات هر دوره و احزاب فعال در آن، سهم هر یک از این احزاب را در تصاحب کرسی‌های نمایندگی روشن سازیم و به نوع آرایش و ترکیب سیاسی آنها بپردازیم.

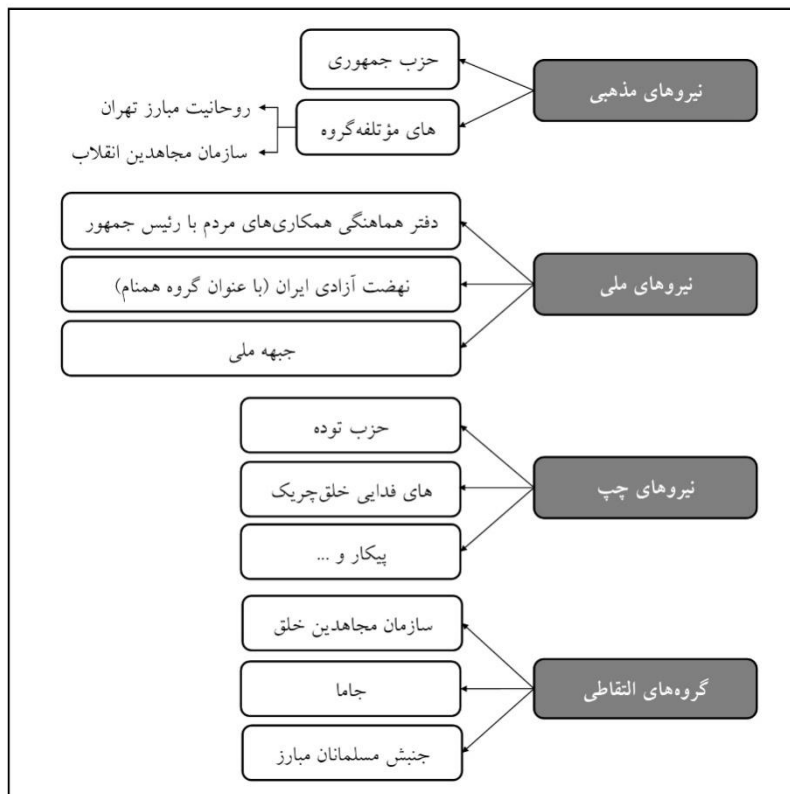
۳-۱. دوره اول مجلس شورای اسلامی

انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی، روز ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ در شرایطی برگزار گردید که هنوز کمتر از یک سال از عمر نظام جمهوری اسلامی نگذشته بود. این انتخابات، پنجمین انتخابات عمومی پس از فراندوم تعیین نظام جمهوری اسلامی و انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان، همه پرسى قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری بود.

در این انتخابات برخلاف انتخابات گذشته اکثر نیروهای سیاسی با تمام قوا وارد عرصه رقابت سیاسی شدند، که خود حکایت از اهمیت و جایگاه مجلس شورای اسلامی در نظام سیاسی ایران دارد. در واقع غیر از برخی گروه‌های سیاسی کوچک که انتخابات را تحریم کردند، اکثر احزاب و گروه‌ها خود را برای یک رقابت جدی آماده ساختند و طرفداران خود را به شرکت گسترده در انتخابات مجلس فراخواندند (خوش‌زاد، ۱۳۸۶: ۴۶ به نقل از بررسی مستندی از مواضع گروه‌ها...، ۱۳۶۱: ۲۵-۲۸).

در جریان این انتخابات، به شرحی که در شکل ۱ آمده است سه نیروی عمده‌ی مذهبی، ملی و گروه‌های چپ در مقابل هم قرار گرفتند (خواجه سروی؛ شاعری، ۱۳۹۴: ۱۷-۲۹). رقابت اصلی در این انتخابات بین حزب جمهوری اسلامی، دفتر همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهور و گروه همنام بود. البته گروه‌های چپ التقاطی به سرمدمداری سازمان مجاهدین خلق، تکاپوی تبلیغاتی شدیدی را برای راه‌یابی به مجلس به راه انداختند. در واقع مسعود رجوی که به علت عدم رأی به قانون اساسی جمهوری اسلامی، از گردونه رقابت نخستین دوره ریاست جمهوری خارج شده بود، امید زیادی داشت که در انتخابات مجلس جبران مافات کند و در رأس فهرست مجاهدین خلق که به «فهرست شورای مرکزی کاندیداهای انقلابی و ترقی خواه معروف شد»، به مجلس راه‌یابد. گروه‌ها و احزاب چپ التقاطی کوچک‌تر همچون جاما و جنبش مسلمانان مبارز،

نیز هر کدام فهرست جداگانه‌ای منتشر ساختند که البته اکثر کاندیدهای آن با سایر گروه‌ها مشترک بود. جبهه ملی هم با محوریت طرفداری از اندیشه مصدق، وارد کارزار انتخاباتی شد و فهرست انتخاباتی خود را عرضه نمود (مشرق، ۴ بهمن ۱۳۹۴).



شکل ۱: احزاب و گروه‌های فعال در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی

با توجه به پراکندگی و انشعاب در گروه‌ها و احزاب، جریان‌ات سیاسی در پی وحدت و ائتلاف با گروه‌های هم فکر خود برآمدند تا از این طریق به جایگاه مستحکمی در مجلس دست‌یابند. البته در عمل هیچ یک از گروه‌ها غیر از حزب جمهوری اسلامی نتوانستند به ائتلاف برسند. این حزب با استقبال از ائتلاف، موفق شد بسیاری از گروه‌های مذهبی و خط امامی را با خود همراه سازد و لیست ائتلاف بزرگ را دو روز مانده به انتخابات منتشر کند (خوش‌زاد، ۱۳۸۶: ۶۲؛ ر.ک: روزنامه کیهان، ۱۲ اسفند ۱۳۵۸؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ اسفند ۱۳۵۸).

طبق اعلام وزارت کشور، در این دور از انتخابات مجلس شورای اسلامی حدود ۱۹۰۰ نفر ثبت نام کردند که از آن میان ۵۴۰ نفر در تهران و حدود ۱۴۰۰ نفر در شهرستان‌ها نامزد نمایندگی مجلس شدند (روزنامه کیهان، ۱۴ اسفند ۱۳۵۸).

سرانجام انتخابات در ۲۴ اسفندماه با مشارکت ده میلیون و ۸۷۴ هزار و ۴۷۰ نفر در سراسر کشور برگزار شد و ۹۷ نفر از کاندیداها موفق شدند اکثریت مطلق آرا را در سراسر کشور بدست آورند و انتخاب مابقی نمایندگان به دور دوم موکول شد (خوش‌زاد، ۱۳۸۶: ۶۴). در انتخابات تهران نیز ۱۸ نفر حائز اکثریت مطلق آرا شدند که شرح آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: منتخبین مرحله اول انتخابات در تهران

ردیف	نام و نام خانوادگی	لیست و گروه	ردیف	نام و نام خانوادگی	لیست و گروه
۱	فخرالدین حجازی	دفتر همکاری...	۲	حسن ابراهیم حبیبی	ائتلاف بزرگ
۳	مهدی بازرگان	همنام	۴	علی اکبر معین فر	ائتلاف بزرگ
۵	سید علی خامنه‌ای	ائتلاف بزرگ	۶	محمدجواد حجتی کرمانی	ائتلاف بزرگ
۷	محمد جواد باهنر	ائتلاف بزرگ	۸	سید حسن آیت	ائتلاف بزرگ
۹	علی گلزاده غفوری	دفتر همکاری...	۱۰	هادی غفاری	ائتلاف بزرگ
۱۱	سید محمد خوئینی‌ها	ائتلاف بزرگ	۱۲	محمد علی رجایی	ائتلاف بزرگ
۱۳	علی اکبر ناطق نوری	ائتلاف بزرگ	۱۴	اکبر هاشمی رفسنجانی	ائتلاف بزرگ
۱۵	ابراهیم یزدی	همنام	۱۶	اعظم علانی طالقانی	دفتر همکاری...
۱۷	مصطفی چمران	همنام	۱۸	عزت الله سبحانی	همنام

با توجه به این که از همان آغاز انتخابات مشخص بود که ائتلاف بزرگ توانسته است با اقبال مردم رو برو شود، گروه‌های رقیب از جمله مجاهدین خلق، وزارت کشور را متهم به تقلب و جانبداری از حزب جمهوری اسلامی نمودند. جالب آنکه رئیس جمهور نیز اعلام کرد: «متأسفانه انتخابات چهره‌ای سالم نداشت به گونه‌ای که تقلب آن به ظاهر هم پیدا بود» (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۵ اسفند ۱۳۵۸).

انتخابات مرحله دوم نیز در روز جمعه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ انجام شد و ۱۳۷ نفر از سراسر کشور انتخاب شدند (خوش‌زاد، ۱۳۸۶: ۶۷). در این دور از انتخابات هم ائتلاف بزرگ با کسب ۸ کرسی نمایندگی تهران توانست از رقبای خود پیشی بگیرد. در این مرحله از انتخابات گروه جاما و دفتر همکاری مردم با رئیس جمهور هر کدام یک کرسی را از آن خود ساختند و دو کرسی باقی مانده نیز به گروه همنام رسید. بدین

ترتیب با پیروزی حزب جمهوری اسلامی و نیروهای همسو با آن در این انتخابات، نوعی تعادل در ارکان حکومتی میان لیبرال‌ها که نهاد ریاست جمهوری را در دست داشتند و نیروهای اسلام‌گرا که مجلس را در اختیار گرفتند پدید آمد.

جدول ۲: منتخبین مرحله دوم انتخابات در تهران

ردیف	نام و نام خانوادگی	لیست و گروه	ردیف	نام و نام خانوادگی	لیست و گروه
۱	محسن مجتهد شبستری	ائتلاف	۲	گوهر الشریعه دستغیب	ائتلاف
۳	دکتر علی اکبر ولایتی	ائتلاف	۴	دکتر کاظم سامی کرمانی	جاما
۵	یدالله سبحانی	همنام	۶	محمد باقر حسینی	ائتلاف
۷	هادی نجف آبادی	دفتر همکاری...	۸	عبدالمجید معادیخواه	ائتلاف
۹	حبیب‌الله عسگرآولادی	ائتلاف	۱۰	محمد کاظم موسوی بجنوردی	ائتلاف
۱۱	هاشم صباغیان	همنام	۱۲	مهدی شاه آبادی	ائتلاف

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹)

تشتت آرای ناشی از شرکت احزاب و جریان‌ها مختلف در انتخابات مجلس اول باعث گردید تا در دو مرحله انتخابات، تنها ۲۳۴ نفر به مجلس راه یابند. بعد از انجام انتخابات چهار فراکسیون متعارض در سطحی نامتعادل به شریح ذیل در مجلس اول شکل گرفت:

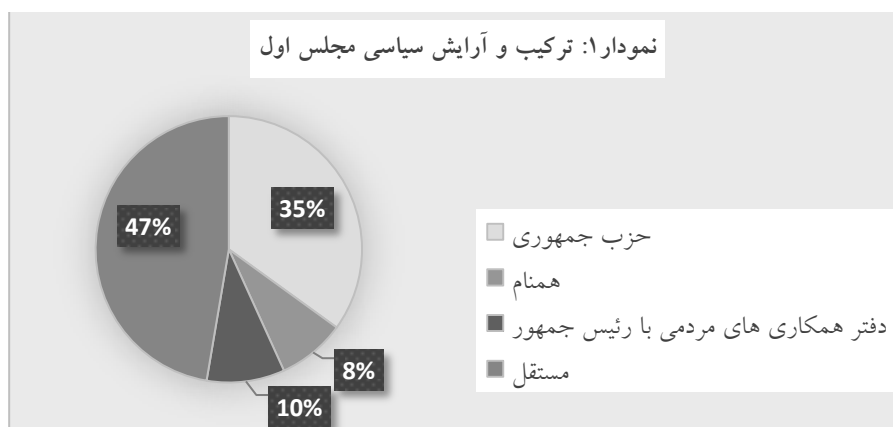
۱. فراکسیون حزب جمهوری اسلامی با حدود ۸۵ نفر عضو که یا عضو حزب بودند یا از هواداران نزدیک به آن بشمار می‌رفتند. البته از تعداد فوق ۲۱ نفر توسط ستاد انتخاباتی دفتر همکاری‌های مردمی با رئیس جمهور و گروه همنام و گروه‌های دیگر نیز معرفی شده بودند؛

۲. فراکسیون همنام که به طور عمده از اعضای نهضت آزادی ایران بشمار می‌رفتند و تعدادشان به حدود ۲۰ نفر می‌رسید؛ البته تعدادی از آنها از جانب هواداران بنی‌صدر و ائتلاف بزرگ نیز معرفی شده بودند.

۳. فراکسیون دفتر همکاری‌های مردمی با رئیس جمهور با تعداد ۲۳ نفر که تعدادی از آنها متمایل به ائتلاف بزرگ بودند.

۴. فراکسیون مستقل با ۱۱۵ نفر نماینده که اکثرشان در تصمیم‌گیری‌ها با ائتلاف بزرگ هماهنگ بودند (فوزی، ۱۳۸۵: ۱/۳۵۲).

نکته قابل توجه در این انتخابات این است که نمایندگان جناح چپ علارغم فعالیت‌های گسترده خود، به علت ناهماهنگی با ماهیت انقلاب نتوانستند رأی مردم را کسب کنند و معدود افرادی هم که رأی آوردند با رد اعتبارنامه‌هایشان از حضور در مجلس بازماندند.



۲-۳. دوره دوم مجلس شورای اسلامی

انتخابات دومین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی در فروردین ماه ۱۳۶۳ در شرایطی برگزار شد که انقلاب اسلامی حوادث سخت و پیچیده‌ای را از سر گذرانده بود. بسیاری از شخصیت‌های برجسته انقلاب نظیر آیت الله مطهری، آیت الله بهشتی، محمد علی رجایی (رئیس جمهور) و محمد جواد باهنر (نخست وزیر) به دست منافقین کور دل به شهادت رسیدند. از سوی دیگر در این سال‌ها کشور مورد تهاجم عراق قرار گرفت و وارد جنگی ناخواسته شد. علاوه بر آن گروه‌ها و نحله‌های معاند و معارض جمهوری اسلامی، نظیر سازمان مجاهدین خلق برای کسب قدرت و نابودی انقلاب، دست در دست بیگانگان و متجاوزان نهادند و با ترور شخصیت‌ها و مردم عادی سعی در ناامنی و بی‌ثباتی نظام داشتند. در کنار این موارد، رویارویی انقلاب اسلامی با آمریکا و غرب، تحریم‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی را برای انقلاب اسلامی در پی آورد؛ اما جالب اینجاست که با وجود چنین وضعیتی در سازوکار انتخابات مجلس دوم خللی ایجاد نشد و انتخابات به خوبی و سر موعد مقرر برگزار گردید (جیرهنده؛ بسطامی، ۱۳۸۷: ۴۱).

انتخابات این دوره از مجلس با دوره‌ی اول تفاوت اساسی داشت؛ چرا که در این دوره ملاک مقبولیت کاندیدها اعتقاد به اسلام و انقلاب، التزام عملی به ولایت فقیه و عدم گرایش به گروه‌های معاند بود (همان، ۴۲؛ صالح، ۱۳۸۵: ۷۲۰/۲؛ ر.ک: صحیفه امام، ۱۳۸۷: ۱۷۳/۱۸). بدین ترتیب اکثر جریان‌ها و گروه‌های معارض و معاند انقلاب اسلامی همچون سازمان مجاهدین خلق، حزب توده و... از عرصه انتخابات حذف شدند. نهضت آزادی نیز به بهانه‌هایی همچون عدم آزادی و فقدان شرایط دموکراتیک اقدام به تحریم انتخابات کرد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۵: ۳۶) و اینگونه آخرین پایگاه خود را در ساختار سیاسی ایران از دست داد. بنابراین با کنار رفتن نیروهای چپ و لیبرال، دومین دوره‌ی انتخابات مجلس شورای اسلامی عملاً صحنه‌ی رقابت بین نیروهای وفادار به انقلاب و پیرو خط امام گردید. احزاب و گروه‌هایی همچون حزب جمهوری اسلامی، جامعه‌ی روحانیت مبارز، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی معلمان و دیگر تشکل‌های همسو، صحنه‌گردان اصلی این رقابت بودند (خواججه سروی، ۱۳۸۲: ۲۹۸-۲۹۷).

نگاهی به لیست‌های ارائه شده توسط احزاب و گروه‌ها مختلف شرکت کننده در انتخابات حکایت از آن دارد که آنان بیش از آنکه وابستگی حزبی را معیار و ملاک معرفی کاندیدها قرار دهند تأکیدشان بر صلاحیت افراد و ورود نیروهای خط امام به مجلس بوده است (جیرنده؛ بسطامی، ۱۳۸۷: ۷۶، شادلو، ۱۳۸۶: ۳۱). آیت الله خامنه‌ی‌دی‌بیر کل حزب جمهوری در دیدار با شورای دفاتر حزب جمهوری در این خصوص بیان می‌دارند: «ما افراد صالح را کاندیدا خواهیم کرد، ولو اینکه عضو حزب جمهوری اسلامی نباشند» (روزنامه جمهوری، ۲۳ آذر ۱۳۶۲).

نهایتاً مرحله‌ی نخست انتخابات در ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۳ و با مشارکت بیش از ۱۵ میلیون نفر برگزار شد و تعداد ۱۲۱ نفر به مجلس راه یافتند. در مرحله دوم نیز که در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه همان سال برگزار گردید، ۱۳۰ نماینده دیگر وارد مجلس شدند و تعیین و تکلیف سایر کرسی‌ها به انتخابات میان‌دوره‌ای موکول شد (جیرنده؛ بسطامی، ۱۳۸۷: ۴۳؛ کارنامه‌ی مجلس شورای اسلامی دوره‌ی دوم، ۱۳۶۳: ۱۵-۱۴).

در این انتخابات کاندیدهای جامعه‌ی روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی اکثر آراء را از آن خود کرده و به پیروزی قاطع در انتخابات دست یافتند (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

از آنجا که در این مقطع از تاریخ، کشور در شرایط خاص جنگی و بحرانی قرار داشت از مجلس انتظاری جز وحدت، همبستگی و پرهیز از گروه‌گرایی نبود؛ اما این انتظار چندان محقق نشد و نیروهای مذهبی به تدریج دچار اختلاف سلیقه شدند و در قالب دو جریان فکری به چالش با یکدیگر برخاستند. این امر در اواخر مجلس بیش از پیش علنی شد و منجر به ایجاد شکاف و انشعاب در بین آنان گردید. بعدها جناح‌های مشهور به «چپ» و «راست» از دل این اختلافات ظهور یافت (همان: ۱۰۷-۱۰۹).

۳-۳. دوره سوم مجلس شورای اسلامی

انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی، در دو مرحله و به ترتیب در ۱۹ فروردین و ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۷ برگزار گردید. تعداد داوطلبان نمایندگی مجلس این دوره ۲۰۰۱ نفر و کاندیداهایی که صلاحیت‌شان تأیید گردید، ۱۶۱۵ نفر بودند (روزنامه کیهان، ۸/۳/۱۳۶۷: ۱۴).

در آستانه برگزاری این دوره از انتخابات مجلس شورای اسلامی هیچ حزب رسمی در ایران فعالیت نداشت. در ۱۲ مهر ماه سال ۱۳۶۵ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به درخواست حجت الاسلام آقای حسین راستی کاشانی نماینده حضرت امام خمینی (ره) در این سازمان و به علت حضور اعضای این حزب در جبهه، منحل گردید (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۳۹/۲۰؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴/۷/۱۳۶۵).

همچنین در ۱۱ خرداد ۱۳۶۶ فعالیت تنها حزب رسمی کشور یعنی «حزب جمهوری اسلامی» نیز به پیشنهاد آیت الله سید علی خامنه‌ای رئیس جمهور وقت و مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی وقت و با موافقت حضرت امام خمینی (ره) تعطیل شد.

آیت الله خامنه‌ای و اکبر هاشمی رفسنجانی در نامه‌ای به محضر امام خمینی (ره) ضمن اشاره به انگیزه تأسیس حزب جمهوری اسلامی در آغاز انقلاب و خدماتی که این حزب به انقلاب اسلامی نموده بود، یادآور شدند که حزب «دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته، و بعکس، ممکن است تحزب در شرایط کنونی بهانه‌ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت گردد، و حتی نیروها را صرف مقابله با یکدیگر و ختنی‌سازی یکدیگر کند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۰/۲۷۶).

بنابراین با انحلال حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز، انتخابات این دوره از مجلس

شورای اسلامی به صحنه رقابت چپ‌ها و راست‌های حکومت جمهوری اسلامی مبدل گردید.

به طور کلی در این انتخابات هفت گروه و تشکل سیاسی عمده فعال بودند و اقدام به انتشار لیست کردند، که عبارت بودند از: جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز، دفتر تحکیم وحدت، خانه کارگر، انجمن اسلامی معلمان ایران، انجمن اسلامی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها. از بین این هفت تشکل و گروه سه تشکل دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی معلمان ایران و تشکیلات خانه کارگر ایران در تهران به هم پیوستند و ائتلافی به نام «ائتلاف مستضعفین و محرومین» را تشکیل دادند که از نظر فکری به مجمع روحانیون مبارز نزدیک بود؛ به طوری که ۲۵ نفر از نامزدهای فهرست روحانیون مبارز در لیست آنها حضور داشت (بهشتی، ۱۳۹۴: ۱۰).

آنچه شایان توجه است، این است که این تشکل‌ها و گروه‌ها بیشتر در شهر تهران فعالیت می‌کردند و شعب آنها در شهرستان‌ها فعالیت کمتری داشتند؛ به همین دلیل در بحث فعالیت گروه‌های فعال در انتخابات مجلس دوره سوم بایستی بیشتر بر نقش جامعه روحانیت مبارز تهران و روحانیون مبارز تهران تکیه کرد.

در این دوره از انتخابات نهضت آزادی قصد داشت در انتخابات شرکت کند اما حضرت امام خمینی (ره) طی نامه‌ای در این خصوص به سران سه قوه، ضمن یادآوری سوابق و عملکرد نهضت آزادی، شرکت آنان در انتخابات و سایر امور کشور را رد کردند و فرمودند: «نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۰/ ۴۸۱).

در این انتخابات از ۲۷ میلیون و ۹۸۷ هزار نفر جمعیت واجد شرایط رأی دادن، ۱۶ میلیون و ۷۱۴ هزار نفر یعنی حدود ۶۰ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت کردند (روزنامه سلام، ۱۶/ ۱/ ۱۳۷۱: ۳).

تعداد نمایندگان منتخب در مرحله اول در سراسر کشور ۱۸۰ نفر بود. در حوزه انتخابیه تهران از سی نماینده، چهارده نفر از جمله آقایان اکبر هاشمی رفسنجانی و مهدی کروبی به عنوان نفرات اول و دوم اکثریت آرا را به دست آوردند و انتخابات شانزده نفر باقی مانده به مرحله دوم کشیده شد (روزنامه کیهان، ۸/ ۳/ ۱۳۶۷: ۸).

بیشتر منتخبان از تهران و شهرستان‌ها از لیست‌های ارائه شده توسط مجمع روحانیون مبارز تهران، دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی معلمان ایران، انجمن اسلامی مدرسین

دانشگاه‌ها و خانه‌ی کارگر بودند، در حقیقت کاندیداهای معرفی شده توسط جامعه روحانیت مبارز تهران و کسانی که اندیشه‌هایی مشابه با جامعه‌ی روحانیت داشتند، شکست سختی خوردند. به طوری که حتی کسانی مانند حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری، مهندس محمد رضا باهنر، آیت الله محمدی یزدی و حبیب الله عسگرآولادی از چهره‌های شاخص و مورد حمایت جامعه‌ی روحانیت به دور دوم کشیده شدند (همان).

با وجود این، نه نفر از چهارده منتخب مرحله‌ی اول حوزه‌ی انتخابیه‌ی تهران جزء کاندیداهای مورد حمایت مشترک جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران و مجمع روحانیون مبارز تهران بودند و مابقی از مجمع روحانیون. در انتخابات مرحله دوم در تهران نیز از بین ۱۶ نفر، ۱۳ نفر از لیست کاندیداهای مورد حمایت مجمع روحانیون مبارز تهران بود.

در این دوره از مجلس چهره‌های شاخص همچون حجت الاسلام محمد یزدی، حجت الاسلام محی الدین انواری، حجت الاسلام قربانعلی دری نجف آبادی، حبیب الله عسگرآولادی و... از بزرگان و افراد مشهور جامعه روحانیت رأی نیاوردند.

در مرحله دوم نیز همانند مرحله اول، اکثر منتخبین از لیست مجمع روحانیون مبارز یا همفکر با این تشکل بودند. بنابراین طرفداران جناح چپ یا رادیکال در برابر جناح راست یا محافظه کار اکثریت را در مجلس سوم شورای اسلامی کسب کردند (جهان محمدی، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۷).

۳-۴. دوره چهارم مجلس شورای اسلامی

انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی در ۲۱ فروردین و ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۱ در فضایی برگزار شد که پس از رحلت حضرت امام خمینی (ره) صف‌بندی سیاسی در کشور چینش و آرایش متفاوتی یافته بود. آیت الله خامنه‌ای از سوی مجلس خبرگان به رهبری انقلاب منصوب شدند و آقای هاشمی رفسنجانی با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری با صندلی ریاست مجلس سوم خداحافظی کردند. این امر باعث گردید تا رقابت‌های فراکسیون‌های چپ (اکثریت) و راست (اقلیت) مجلس سوم به خوبی بروز و ظهور یابد؛ بخصوص در تعیین ریاست جدید مجلس که دو کاندیدای جناح اکثریت و اقلیت، یعنی مهدی کروبی و علی اکبر ناطق نوری با یکدیگر به رقابت پرداختند. هر چند با توجه به اکثریت جناح چپ، ریاست کروبی مسجل می‌نمود، اما

فراکسیون اقلیت با دادن صد رأی به ناطق نوری، نشان داد که بر خلاف هاشمی که دو جناح بر ریاست وی اتفاق نظر داشتند، کروی از حمایت جناح متمایل به جامعه روحانیت مبارز برخوردار نیست. این امر نشان داد که کفه ترازوی مقبولیت عمومی، که در انتخابات مجلس سوم بر اثر عملکرد طیفی از جناح راست و همچنین تبلیغات جناح چپ شدیداً به سود جناح چپ سنگین گردید، در حال متعادل شدن و حتی سنگین شدن به سود گروه‌های وابسته به جناح راست بود (سجادی پور، ۱۳۸۸: ۳۹-۳۷).

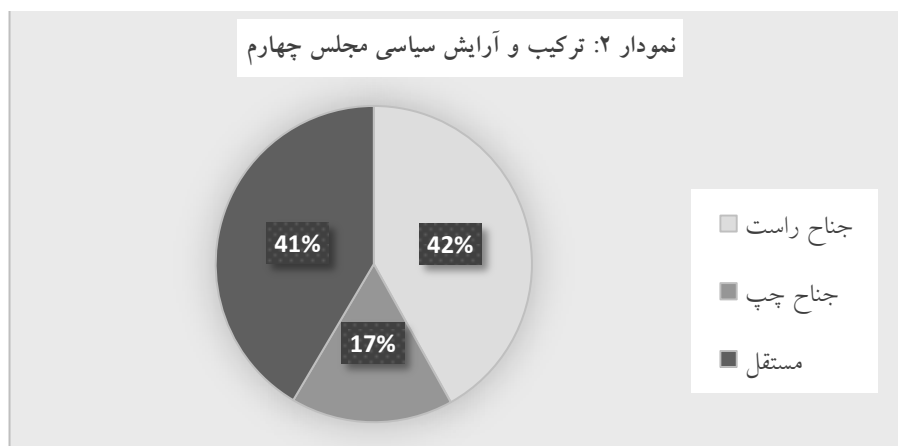
از طرف دیگر در این دوره از انتخابات، شورای نگهبان بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی برای نخستین بار نقش خود را در مقام نظارت و تعیین صلاحیت کاندیداهای «استصوابی» خواند و طی آن صلاحیت حدود ۷۰ تن از کاندیداهای جناح چپ را تأیید نکرد که در بین آنها تعدادی از نمایندگان مجلس سوم نیز حضور داشتند (ظریفی نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۰؛ روزنامه سلام، ۱۳۷۱/۱/۱۶). این امر منجر به آن شد که مجمع روحانیون مبارز، تهدید به کناره‌گیری از انتخابات کند؛ البته پس از تجدید نظر در مورد برخی از نامزدهای رد صلاحیت شده این مسئله حل و فصل گردید (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۴: ۳۸-۶۶) و مجمع روحانیون مبارز با شعار «خط امام (ره)، ولایت فقیه، قانون اساسی و حل مشکلات اقتصادی در جهت حمایت از محرومان و مستضعفان» وارد عرصه رقابت‌های انتخاباتی شد (وزیری، ۱۳۹۴).

در این شرایط جامعه روحانیت مبارز نیز به دفاع و حمایت از دولت پرداخت و با شعار «پیروی از خط امام، اطاعت از رهبری و حمایت از هاشمی» به صحنه انتخابات آمد. گروه‌های همسو با این تشکل همچون جمعیت مؤتلفه اسلامی، جامعه وعاظ تهران، جامعه اسلامی مهندسين، جامعه زینب، جامعه اسلامی دانشگاهیان، جامعه اصناف و بازار و... نیز از فهرست جامعه روحانیت مبارز حمایت کردند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱/۱/۱۶).

حمایت برخی از وزرا و معاونین دولت هاشمی که به تدریج به تکنوکرات‌ها معروف شدند و بعدها حزب کارگزاران را تشکیل دادند و شخص رئیس جمهور از این ایده‌ی جناح راست که جناح چپ مانع سازندگی کشور است، ائتلافی تاکتیکی بین جناح راست و تکنوکرات‌های دولت هاشمی ایجاد نمود و جناح چپ را در افکار عمومی به شدت منزوی ساخت؛ به گونه‌ای که در سراسر کشور جناح چپ فقط توانست چهل نماینده به مجلس چهارم بفرستد و در تهران بیشتر مردم به لیست انتخاباتی جامعه روحانیت مبارز رأی دادند (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۳۴۶).

در نهایت، در انتخاباتی که اعلام شد واجدان شرایط رأی دهندگان در آن ۳۲ میلیون و ۴۶۵ هزار نفر است، ۱۸ میلیون و ۷۶۷ هزار نفر، چیزی حدود ۵۸ درصد پای صندوق‌های رأی آمدند و در انتخابات مشارکت کردند (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۴۰).

ترکیب مجلس چهارم را که در ۷ خرداد ۱۳۷۱ افتتاح گردید، حدود ۱۰۰ نفر از فراکسیون جناح راست، ۴۰ نفر از فراکسیون جناح چپ و ۱۰۰ نفر از فراکسیون مستقل تشکیل می‌داد. در طول زمان مشخص گردید که اکثریت مستقل‌ها نیز به جناح راست تمایل دارند (خواجه سروی، ۱۳۸۲: ۳۴۶).



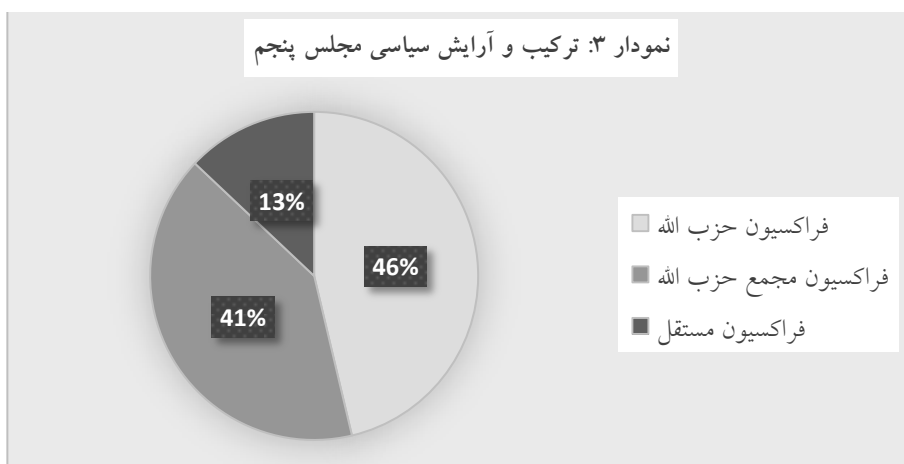
۳-۵. دوره پنجم مجلس شورای اسلامی

انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، طی دو مرحله در اسفند ۱۳۷۴ و فروردین ۱۳۷۵ برگزار گردید. در این انتخابات مشارکت ۷۱/۲۰ درصدی مردم اتفاق افتاد (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۴۱) که پس از انقلاب، بالاترین میزان مشارکت در طول همه ادوار مجلس شورای اسلامی محسوب می‌شد. در واقع رقابت جدی میان نیروهای سیاسی رقیب، روشن‌تر شدن مواضع و جهت‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی احزاب و جریانات، وجود فضای نسبتاً باز مطبوعاتی و برخورداری هر یک از جریانات از نشریات متعدد، از جمله عواملی بود که به این انتخابات شور و نشاط قابل ملاحظه‌ای بخشید (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

در این انتخابات چهار گروه و جریان سیاسی به رقابت با یکدیگر پرداختند:

۱. گروه راست مدرن که از درون راست سنتی و در قالب حزب کارگزاران و با شعار «عزت اسلامی، تداوم سازندگی، آبادانی ایران» وارد عرصه سیاسی کشور گردید (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۲۱۱؛ عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۴۰؛ ظریفی نیا، ۱۳۷۸: ۱۰۲-۱۰۶)؛
 ۲. جناح راست سنتی و در رأس آن جامعه روحانیت که با شعار «پیروی از خط امام، اطاعت از رهبری، حمایت از هاشمی» وارد عرصه رقابت انتخاباتی شد؛
 ۳. جناح چپ با ائتلافی موسوم به نیروهای خط امام، متشکل از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی معلمان و انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، برای شرکت در انتخابات نامزد معرفی کردند. در این انتخابات هر چند مجمع روحانیون از ارائه فهرست امتناع کرد، اما مردم را به شرکت در انتخابات فراخواند.
 ۴. جناح چپ جدید^۱ یا «جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی» که به رهبری حجت‌الاسلام ری شهری و در بهمن ۱۳۷۴ تأسیس گردید و در واقع منشعب از جناح راست سنتی بود (خواجه سروی؛ شارعی، ۱۳۹۴: ۱۳۴-۱۳۸).
- علاوه بر جریان‌های فوق، نهضت آزادی نیز ده نامزد معرفی کرد که تنها چهار نفر از آنها (ابوالفضل بازرگان، حسین فرید اعلم، عزت‌الله سبحانی و محمد بسته‌نگار) تأیید صلاحیت شدند؛ اما آنها به دلیل اعتراض به رد صلاحیت شش نفر نامزد دیگرشان از شرکت در انتخابات انصراف دادند (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۳).
- در رقابت‌های انتخاباتی، جناح راست سنتی در تبلیغات خود از مسائلی نظیر مقابله با تهاجم فرهنگی و جلوگیری از نفوذ دوباره لیبرال‌ها و نامحرمان به درون نظام و مجلس سخن می‌گفت که غالباً متوجه جناح رقیب بود. جناح مقابل یعنی ائتلاف کارگزاران و گروه‌های خط امام که روزنامه‌های پر نفوذی همچون سلام و همشهری را در دست داشتند، در تبلیغات خود جناح راست را به انحصارطلبی، سو استفاده از نهادهای قانونی برای اهداف گروهی، احتمال دست زدن به تقلب‌های انتخاباتی و... متهم می‌کردند.
- این وضعیت رقابتی موجب گردید که طی دو مرحله‌ی انتخابات مجلس پنجم، هر یک از گروه‌های سیاسی بتوانند تعدادی از نمایندگان خود را به مجلس بفرستند. در نتیجه رقبای سیاسی در مجلس پنجم سه فراکسیون تشکیل دادند؛ فراکسیون حزب الله متشکل از جناح راست که با تعدادی بالغ بر ۱۰۵ الی ۱۴۰ نماینده، اکثریت مجلس پنجم را در اختیار گرفتند؛ کارگزاران و گروه‌های خط امام و تشکل‌های کارگری روی هم با حدود ۱۱۰ نماینده، فراکسیون مجمع حزب الله را شکل دادند و نمایندگان غیر وابسته به هر

دو فراکسیون با حدود ۳۰ الی ۴۰ نماینده، در فراکسیون مستقل جای گرفتند (همان: ۱۱۳-۱۱۴؛ ظریفی نیا، ۱۳۷۸: ۱۰۷).



۴. بافت اجتماعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی دوره اول تا پنجم

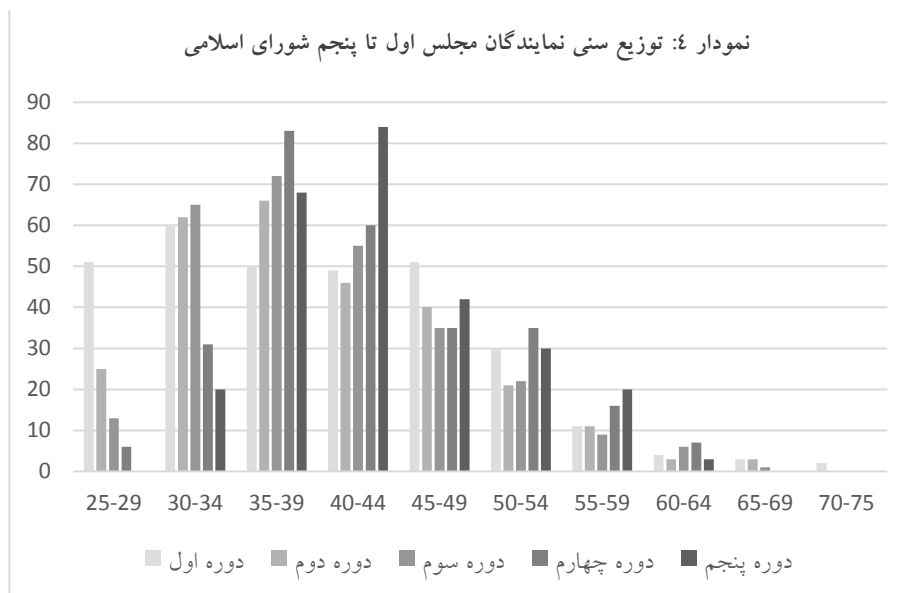
حال که با آرایش و بافت سیاسی مجالس اول تا پنجم شورای اسلامی آشنا شدیم قصد داریم تا در ادامه، نمایندگان را به لحاظ توزیع سنی، جنسیت، روحانی و غیر روحانی، سابقه نمایندگی، سطح تحصیلات و تخصص، مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. جامعه آماری این بخش از پژوهش، به طور کلی ۱۴۱۳ نفر، شامل ۳۱۱ نفر نماینده در دوره نخست، ۲۷۷ نفر در دوره دوم، ۲۷۸ نفر در دوره سوم، ۲۷۳ نفر در دوره چهارم و ۲۷۴ نفر در دوره پنجم قانون‌گذاری است که به بررسی آن می‌پردازیم. یادآوری این نکته نیز ضروری است که در هر دوره از انتخابات؛ از مجموع ۲۷۰ نفر نماینده برای هر دوره، بعضاً تعدادی به صورت دو مرحله‌ای یا میان‌دوره‌ای به مجلس راه یافتند. همچنین به دلایل دیگر از جمله شهادت، فوت، استعفا و رد اعتبارنامه و همچنین انتقال به قوای دیگر در طول هر دوره تعداد آنان افزایش یا کاهش یافته است؛ به طوری که در طول دوره نخست قانون‌گذاری، حدود ۳۲۷ نفر به مجلس شورای اسلامی راه یافتند.

۴-۱. توزیع سنی نمایندگان مجلس شورای اسلامی

جدول گروه‌های سنی نشان می‌دهد که بیشترین نمایندگان در سنین بین ۳۵-۳۹ با ۲۳/۹۹ درصد و کمترین نمایندگان در گروه سنی بین ۷۰-۷۵ با ۰/۱۴ درصد بوده‌اند.

جدول ۳: وضع گروه‌های سنی نمایندگان دوره اول تا پنجم مجلس شورای اسلامی

جمع		پنجم		چهارم		سوم		دوم		دوره اول		گروه‌های سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶/۷۲	۹۵	-	-	۲/۲۰	۶	۴/۶۸	۱۳	۹/۰۳	۲۵	۱۶/۴۰	۵۱	۲۵-۲۹
۱۶/۸۴	۲۳۸	۷/۳۰	۲۰	۱۱/۳۶	۳۱	۲۳/۳۸	۶۵	۲۲/۳۸	۶۲	۱۹/۲۹	۶۰	۳۰-۳۴
۲۳/۹۹	۳۳۹	۲۴/۸۲	۶۸	۳۰/۴۰	۸۳	۲۵/۹۰	۷۲	۲۳/۸۳	۶۶	۱۶/۰۸	۵۰	۳۵-۳۹
۲۰/۸۱	۲۹۴	۳۰/۶۶	۸۴	۲۱/۹۸	۶۰	۱۹/۷۸	۵۵	۱۶/۶۱	۴۶	۱۵/۷۵	۴۹	۴۰-۴۴
۱۴/۳۷	۲۰۳	۱۵/۳۳	۴۲	۱۲/۸۲	۳۵	۱۲/۵۹	۳۵	۱۴/۴۴	۴۰	۱۶/۴۰	۵۱	۴۵-۴۹
۹/۷۷	۱۳۸	۱۰/۹۵	۳۰	۱۲/۸۲	۳۵	۷/۹۱	۲۲	۷/۵۸	۲۱	۹/۶۵	۳۰	۵۰-۵۴
۴/۷۴	۶۷	۷/۳۰	۲۰	۵/۸۶	۱۶	۳/۲۴	۹	۳/۹۷	۱۱	۳/۵۴	۱۱	۵۵-۵۹
۱/۶۳	۲۳	۱/۰۹	۳	۲/۵۶	۷	۲/۱۶	۶	۱/۰۸	۳	۱/۲۹	۴	۶۰-۶۴
۰/۹۹	۱۴	۲/۵۵	۷	-	-	۰/۳۶	۱	۱/۰۸	۳	۰/۹۶	۳	۶۵-۶۹
۰/۱۴	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۶۴	۲	۷۰-۷۵
۱۰۰	۱۴۱۳	۱۰۰	۲۷۴	۱۰۰	۲۷۳	۱۰۰	۲۷۸	۱۰۰	۲۷۷	۱۰۰	۳۱۱	جمع





نمودار ۵ نشان می‌دهد که توزیع سنی جمعیت نمایندگان تا دوره سوم مشابه بوده و میانگین سنی نمایندگان در بازه ۳۵ تا ۳۹ سال و تراکم آن در بازه ۳۰ تا ۴۹ سال بوده است. اما در دوره چهارم و پنجم میانگین سنی به بازه ۴۰ تا ۴۹ سال منتقل شده و تراکم سنی در بازه ۳۵ تا ۴۹ سال قرار گرفته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سه دوره اول در مقایسه با دوره‌های چهارم و پنجم از پراکندگی بیشتری برخوردار بوده و بطور نامتقارن در سنین پایین‌تر متراکم است؛ در صورتی که پس از دوره سوم، با کاهش پراکندگی، حرکت به سوی تقارن و افزایش میانگین سنی نمایندگان روبرو هستیم. از دلایل این امر می‌توان به گرایش مردم به تجربه‌گرایی و محافظه‌کاری و همچنین راهیابی حدود نیمی از نمایندگان دوره‌های پیشین به دوره‌های بعدی اشاره نمود که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

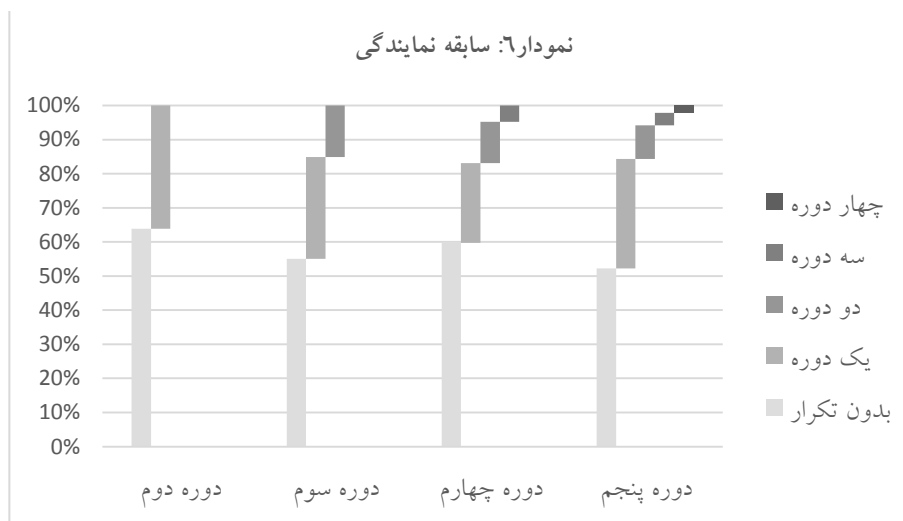
۲-۴. سابقه نمایندگی منتخبان مردم در مجلس شورای اسلامی

جدول ۴ و نمودار ۶ بیانگر سابقه حضور نمایندگان در مجالس گذشته است. بر اساس اطلاعات زیر، بیش از نیمی از کرسی‌های نمایندگی در هر دوره به افرادی تعلق گرفته است که قبلاً سابقه نمایندگی مجلس را نداشته‌اند.

با توجه به آنکه در نمودار ۶ شاهد یک الگوی نسبتاً ثابت از میزان حضور نمایندگان با سابقه نمایندگی و بدون سابقه نمایندگی در دوره‌های مختلف هستیم، می‌توان با فرمول ارائه شده در ادامه این نوشتار، وضعیت سابقه نمایندگی منتخبان مردم در مجالس آینده را پیش‌بینی نمود.

جدول ۴: سابقه نمایندگی

شرح	دوره دوم		دوره سوم		دوره چهارم		دوره پنجم	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بدون تکرار	۱۷۷	٪۶۴	۱۵۳	٪۵۵	۱۶۳	٪۶۰	۱۴۳	٪۵۲
یک دوره	۱۰۰	٪۳۶	۸۳	٪۳۰	۶۴	٪۲۳	۸۸	٪۳۲
دو دوره	-	-	۴۲	٪۱۵	۳۳	٪۱۲	۲۷	٪۱۰
سه دوره	-	-	-	-	۱۳	٪۵	۱۰	٪۴
چهار دوره	-	-	-	-	-	-	۶	٪۲
جمع	۲۷۷	۱۰۰	۲۷۸	۱۰۰	۲۷۳	۱۰۰	۲۷۴	۱۰۰

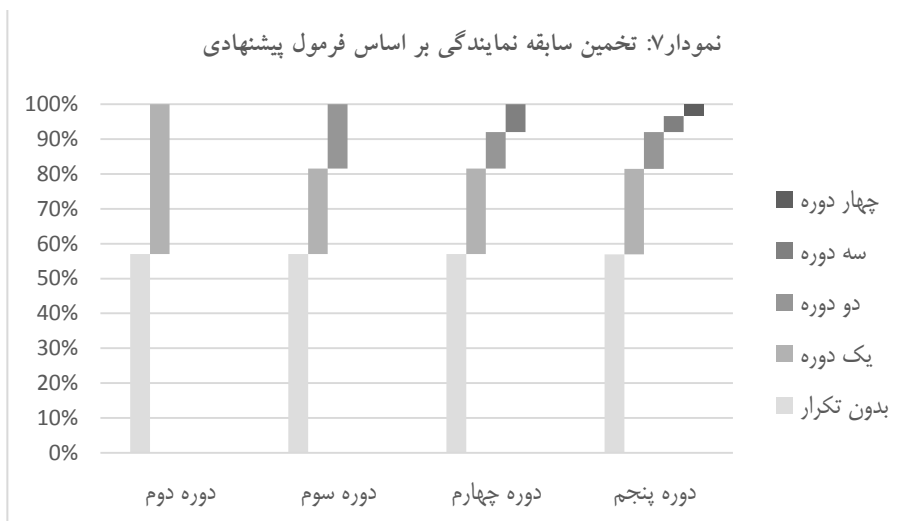


با توجه به اینکه بیش از نیمی از نمایندگان هر دوره سابقه‌ی حضور در مجلس را ندارند، حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از ترکیب جمعیتی مجلس در دوره n ام، برابر با ۴۰ تا ۵۰ درصد از نمایندگان دوره $n-1$ ام است. بنابراین اگر x درصد نمایندگان هر دوره از میان نمایندگان با سابقه و $m < n$ و $n > 1$ باشد، آنگاه درصد نمایندگانی از مجلس n ام که سابقه m دوره نمایندگی را دارند، برابر خواهد بود با:

$$(100-x)\left(\frac{x}{100}\right)^m, \quad \text{if } m \neq n-1$$

$$x\left(\frac{x}{100}\right)^{m-1}, \quad \text{if } m = n-1$$

نمودار شماره ۷ بر اساس فرمول فوق و با در نظر گرفتن $x = 43$ ، (یعنی در صورتی که ۴۳ درصد از نمایندگان هر دوره سابقه نمایندگی داشته باشند) رسم شده است.



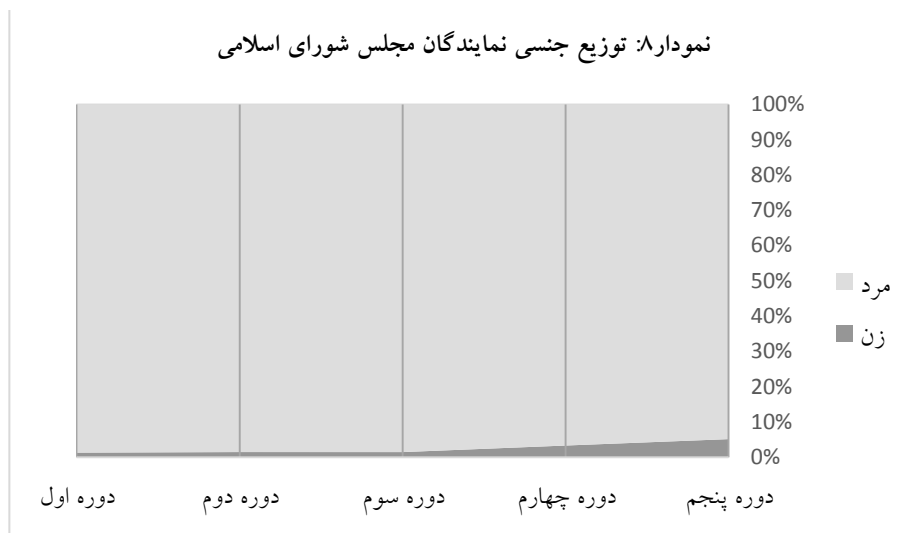
همانطور که ملاحظه می‌شود، نمودار ۷ (رسم شده بر اساس فرمول) و نمودار ۶ (رسم شده با اطلاعات واقعی) بسیار شبیه به یکدیگر هستند و این حکایت از آن دارد که با فرمول پیشنهادی می‌توان مدل واقعی را با دقت بالا تخمین زد و ترکیب جمعیتی مجالس آینده را - در صورت عدم تغییر شدید شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی، حقوقی و...- پیش‌بینی نمود.

۳-۴. توزیع جنسی نمایندگان مجلس شورای اسلامی

جدول ۵ و نمودار ۸ حاکی از توزیع جنسی نمایندگان پنج دوره نخست مجلس شورای اسلامی است که بر اساس آن بطور میانگین، مردان ۹۷/۵۲ درصد و زنان ۲/۴۸ درصد از کرسی‌های نمایندگی را به خود اختصاص داده‌اند. همانطور که مشاهده می‌شود از دوره چهارم به بعد بر تعداد نمایندگان زن افزوده شده است. در واقع ورود شعارهایی نظیر احقاق حقوق زنان، آزادی، حقوق شهروندی، کاهش محدودیت‌های سیاسی، فرهنگی و... در ادبیات سیاسی کشور در این دوره‌ها، فضا را برای ورود زنان به عرصه سیاست هموارتر نمود. همین امر باعث گردید که جریان‌ات سیاسی سهم بیشتری را برای بانوان در فهرست‌های انتخاباتی خود در نظر بگیرند.

جدول ۵: توزیع جنسی نمایندگان مجلس شورای اسلامی

جنسیت	دوره اول		دوره دوم		دوره سوم		دوره چهارم		دوره پنجم		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مرد	۳۰۷	۹۸/۷۱	۲۷۳	۹۸/۵۶	۲۷۴	۹۸/۵۶	۲۶۴	۹۶/۷۰	۲۶۰	۹۴/۸۹	۱۳۷۸	۹۷/۵۲
زن	۴	۱/۲۹	۴	۱/۴۴	۴	۱/۴۴	۹	۳/۳۰	۱۴	۵/۱۱	۳۵	۲/۴۸
جمع	۳۱۱	۱۰۰	۲۷۷	۱۰۰	۲۷۸	۱۰۰	۲۷۳	۱۰۰	۲۷۴	۱۰۰	۱۴۱۳	۱۰۰



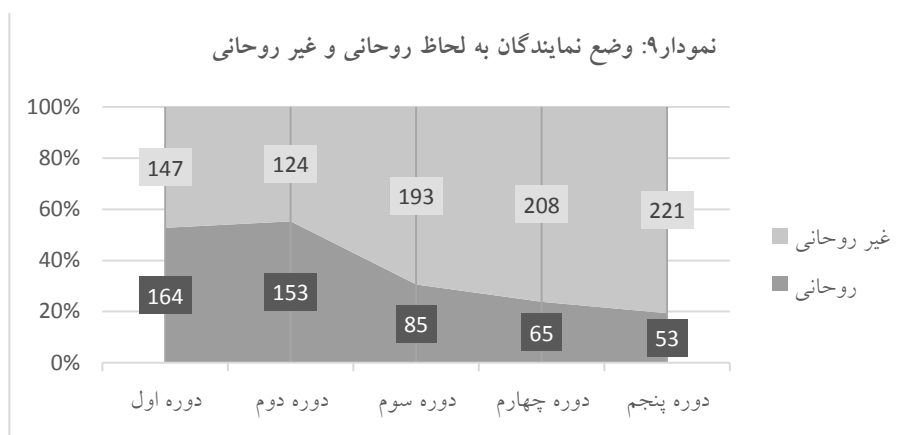
۴-۴. وضع نمایندگان به لحاظ روحانی و غیر روحانی

جدول ۶ و نمودار ۹ وضع نمایندگان را در مجموع پنج دوره به لحاظ روحانی و غیر روحانی نشان می‌دهد. در مجموع از ۱۴۱۳ نماینده، تعداد ۸۹۳ نفر غیر روحانی و ۵۲۰ نفر در کسوت روحانیت بوده‌اند. البته نمایندگان روحانی در مجلس اول و دوم نسبت به نمایندگان غیر روحانی کرسی‌های بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند؛ به طوری که در مجلس اول از مجموع ۳۱۱ نفر، ۱۶۴ نفر و در مجلس دوم از مجموع ۲۷۷ نفر، ۱۵۳ نفر از نمایندگان را قشر روحانیون تشکیل داده‌اند. طبق جدول و نمودار زیر هر مقدار از اوایل انقلاب فاصله می‌گیریم از تعداد نمایندگان روحانی کاسته و بر نمایندگان غیر روحانی افزوده می‌شود. در تحلیل این امر بایستی به فضای حاکم بر کشور در اوایل

انقلاب توجه نمود. در واقع با توجه به منع حضور روحانیون در انتخابات ریاست جمهوری از سوی امام خمینی(ره) و تأکید ایشان بر حضور همه اقشار در انتخابات مجلس، اکثر روحانیون متوجه مجلس شورای اسلامی شدند و در انتخابات مجلس به صورت چشمگیر حضور یافتند.

جدول ۶: وضع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برحسب روحانی و غیر روحانی

شرح	دوره اول		دوره دوم		دوره سوم		دوره چهارم		دوره پنجم		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
روحانی	۱۶۴	۵۱/۲۵	۱۵۳	۵۵/۲۴	۸۵	۳۰/۵۷	۶۵	۲۳/۸۰	۵۳	۱۹/۳۵	۵۲۰	۳۶/۸۰
غیرروحانی	۱۴۷	۴۸/۷۵	۱۲۴	۴۴/۷۶	۱۹۳	۶۹/۴۳	۲۰۸	۷۶/۲۰	۲۲۱	۸۰/۶۵	۸۹۳	۶۳/۲۰
جمع	۳۱۱	۱۰۰	۲۷۷	۱۰۰	۲۷۸	۱۰۰	۲۷۳	۱۰۰	۲۷۴	۱۰۰	۱۴۱۳	۱۰۰

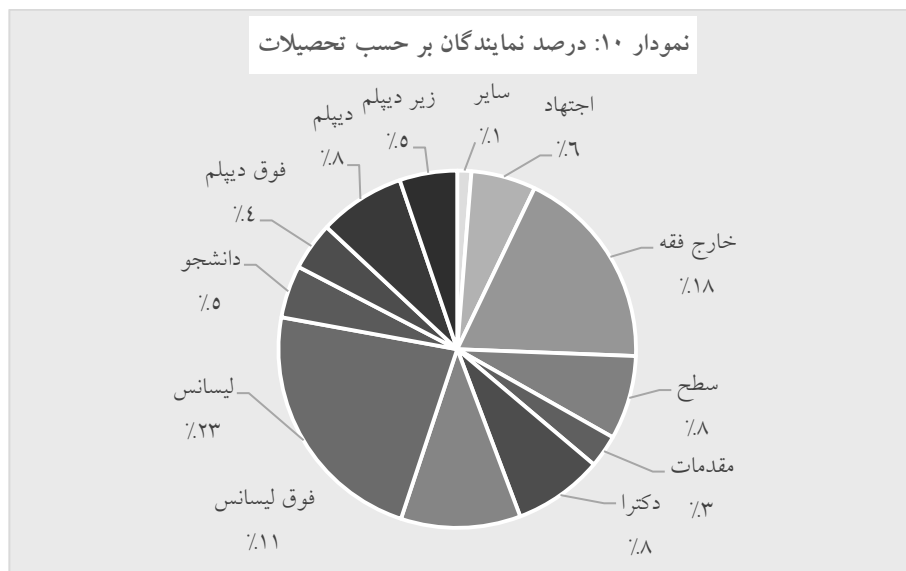


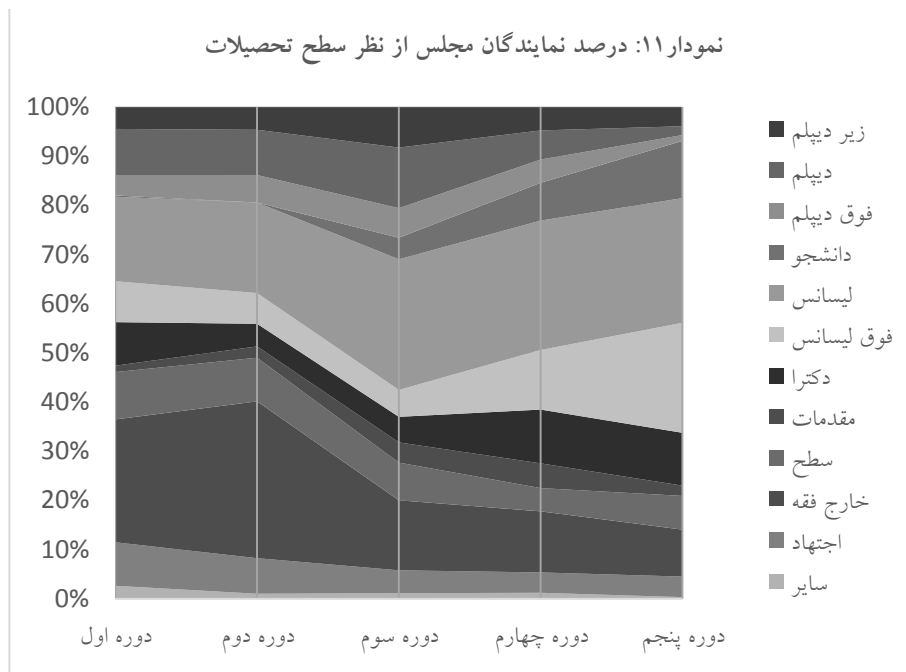
۵-۴. میزان تحصیلات نمایندگان مجلس شورای اسلامی

مطابق جدول ۷ و نمودار ۱۰، طی پنج دوره نخست مجلس شورای اسلامی، بیشترین نمایندگان دارای تحصیلات لیسانس با ۲۲/۷۷ درصد بوده‌اند؛ بدنبال آن به ترتیب دارندگان مدرک تحصیلی خارج، فوق لیسانس و دکترا هر کدام با ۱۸/۴۸، ۱۰/۸۳، ۸/۱۱ بیشترین فراوانی را داشته‌اند. لازم به ذکر است تعدادی از نمایندگان هم دارای تحصیلات حوزوی و هم تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند و یا در چند رشته دانشگاهی تحصیل کرده‌اند، به همین دلیل در جدول زیر جمع تحصیلات از تعداد نمایندگان بیشتر است.

جدول ۷: میزان تحصیلات نمایندگان پنج دوره‌ی قانونگذاری

تحصیلات	دوره اول		دوره دوم		دوره سوم		دوره چهارم		دوره پنجم		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
اجتهاد	۳۴	۸/۸۵	۲۲	۷/۲۳	۱۷	۴/۶۵	۱۴	۴/۱۴	۱۴	۴/۱۸	۱۰۱	۵/۸۵
خارج فقه	۹۶	۲۵	۹۷	۳۱/۹	۵۲	۱۴/۲۵	۴۲	۱۲/۴۲	۳۲	۹/۵۵	۳۱۹	۱۸/۴۸
سطوح عالی	۴	۱/۰۴	-	-	۴	۱/۱۰	۳	۰/۸۸	۱	۰/۲۹	۱۲	۰/۷۰
سطح	۳۷	۹/۶۳	۲۷	۸/۸۹	۲۸	۷/۶۷	۱۶	۴/۷۳	۲۳	۶/۸۶	۱۳۱	۷/۵۹
مقدمات	۵	۱/۳۰	۷	۲/۳۰	۱۵	۴/۱۰	۱۷	۵/۰۴	۷	۲/۰۹	۵۱	۲/۹۵
افتا	۴	۱/۰۴	۳	۰/۹۹	-	-	-	-	-	-	۷	۰/۴۰
فقه حنفی	۲	۰/۵۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۰/۱۲
فوق دکترا	-	-	-	-	-	-	۱	۰/۲۹	-	-	۱	۰/۰۶
دکترا	۳۴	۸/۸۵	۱۴	۴/۶۰	۱۹	۵/۲۱	۳۷	۱۰/۹۵	۳۶	۱۰/۷۵	۱۴۰	۸/۱۱
فوق لیسانس	۳۲	۸/۳۴	۱۹	۶/۲۵	۲۰	۵/۴۸	۴۱	۱۲/۱۳	۷۵	۲۲/۳۹	۱۸۷	۱۰/۸۳
لیسانس	۶۶	۱۷/۱۸	۵۶	۱۸/۴۳	۹۷	۲۶/۵۸	۸۹	۲۶/۳۴	۸۵	۲۵/۳۷	۳۹۳	۲۲/۸۷
دانشجو	۱	۰/۲۶	-	-	۱۶	۴/۳۸	۲۶	۷/۷۰	۳۹	۱۱/۶۴	۸۲	۴/۷۵
فوق دیپلم	۱۶	۴/۱۷	۱۷	۵/۶۰	۲۲	۶/۰۳	۱۶	۴/۷۳	۴	۱/۲۰	۷۵	۴/۳۵
دیپلم	۳۶	۹/۳۸	۲۸	۹/۲۱	۴۵	۱۲/۳۳	۲۰	۵/۹۱	۶	۱/۷۹	۱۳۵	۷/۸۳
زیر دیپلم	۱۷	۴/۴۳	۱۴	۴/۶۰	۳۰	۸/۲۲	۱۶	۴/۷۴	۱۳	۳/۸۹	۹۰	۵/۲۱
جمع	۳۸۴	۱۰۰	۳۰۴	۱۰۰	۳۶۵	۱۰۰	۳۳۸	۱۰۰	۳۳۵	۱۰۰	۱۷۲۶	۱۰۰





همان‌طور که در نمودار ۱۱ مشاهده می‌شود، در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به درصد نمایندگان دارای تحصیلات خارج فقه افزوده و از درصد نمایندگان دارای تحصیلات تکمیلی دانشگاهی (فوق لیسانس و دکترا) کاسته شده است. این امر نشان‌دهنده اقبال مردم به روحانیون در این دوره است. اما از دوره سوم به بعد از درصد نمایندگان با تحصیلات حوزوی و تحصیلات دانشگاهی زیر لیسانس کاسته و به درصد نمایندگان دانشجو و دارای تحصیلات تکمیلی افزوده شده است. این مسأله بیانگر نهادینه شدن فرهنگ فن‌سالاری هم‌زمان با زمامداری دولت کارگزاران است که در گرایش به تحصیلات دانشگاهی نمود یافته است. در مجموع دوره‌های اول تا پنجم، اکثریت نمایندگان مجلس دارای سطح تحصیلات دانشگاهی بوده که درصد بیشتر آنها از سطح تحصیلات لیسانس برخوردار بوده‌اند.

۵-۴. تخصص و رشته تحصیلی نمایندگان مجلس شورای اسلامی

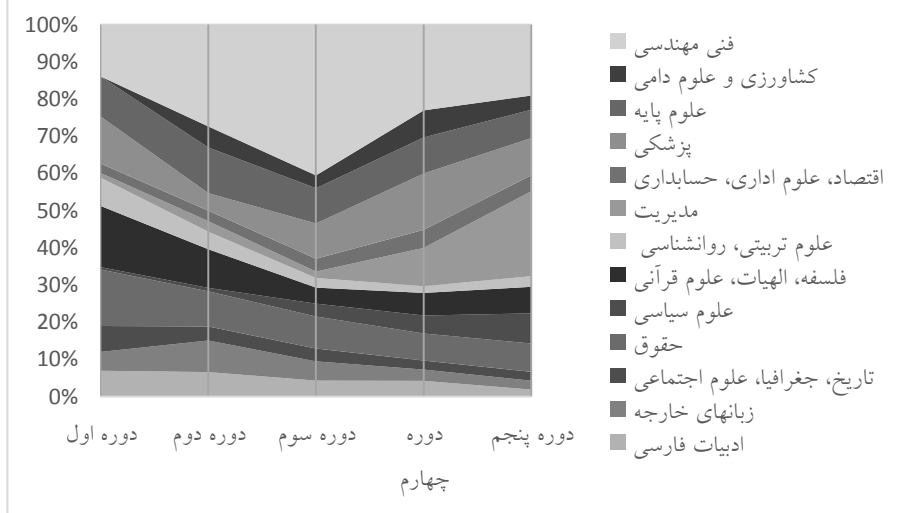
در جدول ۸ و نمودار ۱۳، تعداد و درصد نمایندگان به تفکیک رشته‌های تحصیلی دانشگاهی به نمایش درآمده است.

۱۲۰ تحلیل بافت سیاسی، اجتماعی و تخصصی نمایندگان...

جدول ۸: رشته تحصیلات دانشگاهی نمایندگان دوره اول تا پنجم مجلس شورای اسلامی

رشته تحصیلی	دوره اول		دوره دوم		دوره سوم		دوره چهارم		دوره پنجم	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
ادبیات فارسی	۱۱	۶/۹۶	۷	۶/۶۰	۵	۴/۳۱	۷	۴/۲۴	۴	۱/۹۰
زبانهای خارجه	۸	۵/۰۶	۹	۸/۴۹	۶	۵/۱۷	۵	۳/۰۳	۵	۲/۳۸
تاریخ، جغرافیا، علوم اجتماعی	۱۱	۶/۹۶	۴	۳/۷۷	۴	۳/۴۵	۴	۲/۴۳	۵	۲/۳۸
حقوق	۲۴	۱۵/۱۹	۱۰	۹/۴۳	۱۰	۸/۶۲	۱۲	۷/۲۷	۱۶	۷/۶۲
علوم سیاسی	۱	۰/۶۳	۱	۰/۹۴	۴	۳/۴۵	۸	۴/۸۵	۱۷	۸/۱۰
فلسفه، الهیات، علوم قرآنی	۲۶	۱۶/۴۶	۱۱	۱۰/۳۸	۵	۴/۳۱	۱۰	۶/۰۶	۱۵	۷/۱۴
علوم تربیتی، روانشناسی	۱۲	۷/۵۹	۵	۴/۷۲	۳	۲/۵۹	۳	۱/۸۲	۶	۲/۸۶
مدیریت	۲	۱/۲۷	۳	۲/۸۳	۲	۱/۷۲	۱۷	۱۰/۳۰	۴۸	۲۲/۸۶
اقتصاد، حسابداری علوم اداری	۴	۲/۵۳	۳	۲/۸۳	۴	۳/۴۵	۸	۴/۸۵	۹	۴/۲۸
پزشکی	۲۰	۱۲/۶۶	۵	۴/۷۲	۱۱	۹/۴۸	۲۵	۱۵/۱۵	۲۱	۱۰
علوم پایه	۱۷	۱۰/۷۶	۱۳	۱۲/۲۷	۱۱	۹/۴۸	۱۶	۹/۷۰	۱۶	۷/۶۲
کشاورزی و علوم دامی	۰	۰	۶	۵/۶۶	۴	۳/۴۵	۱۲	۷/۲۷	۸	۳/۸۱
فنی مهندسی	۲۲	۱۳/۹۳	۲۹	۲۷/۳۶	۴۷	۴۰/۵۲	۳۸	۲۳/۰۳	۴۰	۱۹/۰۵
جمع	۱۵۸	۱۰۰	۱۰۶	۱۰۰	۱۱۶	۱۰۰	۱۶۵	۱۰۰	۲۱۰	۱۰۰

نمودار ۱۳: رشته‌های تحصیلی نمایندگان دوره اول تا پنجم



نمودار ۱۳ حکایت از آن دارد که نرخ رشد درصد نمایندگان در رشته‌های مدیریت و علوم سیاسی نسبت به رشته‌های دیگر قابل توجه است. علت این امر نیز می‌تواند به مانند افزایش گرایش به تحصیلات تکمیلی، در قالب تخصص‌گرایی و فن‌سالاری برای نمایندگان مجلس تعریف شود.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که در اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی، جریان اسلام‌گرا در رقابت با جریان ملی‌گرا و چپ، توانست اکثریت کرسی‌های مجلس را از آن خود کند. در رقابت‌های انتخاباتی مجلس دوم تا پنجم که میان جناح راست و چپ شکل گرفت، جناح راست در مجلس دوم، چهارم و پنجم پیروز شد و جناح چپ تنها توانست در مجلس سوم با کسب حدود دو سوم کرسی‌های نمایندگی اکثریت مجلس را در اختیار خود بگیرد.

به لحاظ بافت اجتماعی، جدول گروه‌های سنی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که بیشترین نمایندگان در سنین بین ۳۹-۳۵ با ۲۳/۹۹ درصد و کمترین نمایندگان در گروه سنی بین ۷۵-۷۰ با ۰/۱۴ درصد بوده‌اند.

به لحاظ سابقه نمایندگای نتایج حاکی از آن است که بیش از نیمی از کرسی‌های نمایندگی در هر دوره به افرادی تعلق گرفته است که قبلاً سابقه نمایندگی مجلس را نداشته‌اند.

از نظر توزیع جنسی، بطور میانگین، مردان ۹۷/۵۲ درصد از کرسی‌های نمایندگی مجلس اول تا پنجم را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین با توجه به آمار، در مجلس اول تا سوم تعداد نمایندگان زن ثابت است، اما از دوره چهارم به بعد بر تعداد نمایندگان زن افزوده شده است.

وضع نمایندگان در مجموع پنج دوره به لحاظ روحانی و غیر روحانی، حاکی از آن است که از مجموع ۱۴۱۳ نماینده، تعداد ۸۹۳ نفر از طبقه غیر روحانی و ۵۲۰ نفر در کسوت روحانیت بوده‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تعداد روحانیون در مجلس شورای اسلامی یک سیر نزولی داشته است به طوری که قشر روحانی در مجلس اول با ۱۶۴ نفر بیشترین تعداد و در مجلس پنجم با ۵۳ نفر کمترین تعداد را داشته‌اند.

جدول وضع و میزان تحصیلات نمایندگان در مجموع پنج دوره نشان می‌دهد که بیشترین نمایندگان دارای تحصیلات لیسانس با ۲۲/۷۷ درصد بوده‌اند، بدنبال آن به

ترتیب دارندگان مدرک تحصیلی خارج، فوق لیسانس و دکترا هر کدام با ۸/۴۸، ۱۰/۸۳، ۸/۱۱ بیشترین فراوانی را داشته‌اند. در خصوص رشته تحصیلی و تخصص نمایندگان نیز نتایج این پژوهش بیانگر آن است که درصد نمایندگان تحصیل کرده در رشته‌های مدیریت و علوم سیاسی با نرخ رشد قابل توجهی افزایش یافته است که می‌توان آن را در قالب تخصص‌گرایی و فن‌سالاری تحلیل نمود.

پی‌نوشت

۱. این چپ با چپ مدرن (حزب مشارکت و اصلاح‌طلبان رادیکال) که در فضای پس از انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ شکل گرفت، متفاوت است. در واقع در تبارشناسی جریان‌های سیاسی چپ جدید را بایستی پیشاهنگ جریان اصولگرای امروز دانست. خواجه سروی؛ شارعی، ۱۳۹۴: ۱۳۸.

منابع

- آقایی جیره‌نده، عباس؛ بسطامی، رضا (۱۳۸۷). مجلس شورای اسلامی دوره دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بررسی مستندی از مواضع گروه‌ها در قبال انقلاب اسلامی (۱۳۶۱). تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نگاه معاصر.
- بهشتی، ابراهیم (۱۳۹۴). «چرخش قدرت در کرسی‌های ملت»، روزنامه ایران، شماره ۶۱۱۶، ۹۴/۱۰/۱۴.
- پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس: <http://rc.majlis.ir>
- جهان محمدی، رضا (۱۳۸۹). مجلس شورای اسلامی دوره سوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خبرگزاری مشرق، ۴ بهمن ۱۳۹۴، «تمرین دموکراسی نیروهای انقلابی در اولین مجلس شورای اسلامی».
- خسروشیری، علی (۱۳۹۲). مجلس شورای اسلامی دوره پنجم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). رقابت‌های سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خواجه سروی، غلامرضا؛ شارعی، محمد محسن (۱۳۹۴). تاریخ تحولات سیاسی مجلس شورای اسلامی، تهران: انتشارات سرو اندیشه.

- خوش زاد، اکبر (۱۳۸۶). مجلس شورای اسلامی دوره اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دوورژه، موریس (۱۳۵۷). احزاب سیاسی، ترجمه رضا علومی، تهران: امیرکبیر.
- رضا جهان محمدی (۱۳۸۹). مجلس شورای اسلامی دوره سوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۵ اسفند ۱۳۵۸.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱ خرداد ۱۳۶۹.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ فرودین ۱۳۵۹.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ اسفند ۱۳۵۸.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳ آذر ۱۳۶۲.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ مهر ۱۳۶۵.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ خرداد ۱۳۶۶.
- روزنامه سلام، سال اول، ۱۶ فروردین ۱۳۷۱.
- روزنامه کیهان، ۱۲ اسفند ۱۳۵۸.
- روزنامه کیهان، ۱۴ اسفند ۱۳۵۸.
- روزنامه کیهان، ۱۸ بهمن ۱۳۵۸.
- روزنامه کیهان، ۸ خرداد ۱۳۶۷.
- سجادی پور، هادی (۱۳۸۸). مجلس شورای اسلامی دوره چهارم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شادلو، عباس (۱۳۸۶). تکثر گرایی در جریان اسلامی، تهران: نشر وزرا.
- صالح، محسن (۱۳۸۵). جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از آغاز تا کنون، ج ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صحیفه امام (ره)، (۱۳۷۸). مجموعه آثار حضرت امام خمینی (ره)، ج ۱۸ و ۲۰، تهران: عروج.
- ظریفی نیا، حمید رضا (۱۳۷۸). کالبد شکافی جناح‌های سیاسی در ایران ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸، تهران: انتشارات آزادی اندیشه.
- عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۸۷). منازعات سیاسی نخبگان و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۵). مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). تحولات سیاسی و اجتماعی ایران پس از انقلاب اسلامی، تهران: نشر عروج.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۵). چارچوبی برای بررسی عوامل موثر بر عملکرد دولت در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۵.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- کارنامه‌ی مجلس شورای اسلامی دوره‌ی دوم، سال اول (۱۳۶۳). تهران: روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۸۴). روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نظر پور، مهدی (۱۳۹۱). آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: نشر معارف.
- وبر، ماکس (۱۳۸۲). روش شناسی علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: انتشارات مرکز.
- وزیری، نسرين (۱۳۹۴). «شعارهای انتخاباتی از مجلس اول تا مجلس نهم»، خیرآنلاین، ۹ دی ۱۳۹۴.
- هاشمی رفسنجانی (۱۳۸۵). به سوی سرنوشت: کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳، به اهتمام محسن هاشمی، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- هاشمی رفسنجانی (۱۳۹۴). رونق سازندگی: کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۷۱، به اهتمام حسن لاهوتی، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

Giddens, Anthony (1976) *New Rules of Sociological Method: A Positive Critique of interpretative Sociologies*. London: Hutchinson